

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ر. دیلم
۱۶ نومبر ۲۰۱۸

درباره: حزب رنجبران ایران در مبارزه طبقاتی

حزب رنجبران ایران در مبارزه طبقاتی پاسخش به "چه می شود؟" و "چه باید کرد؟" چیست؟

برای پاسخ به این پرسش ها ضروریست اشاره ای کنیم که این حزب در این سال های طولانی و قبل از تأسیس تشکلاتی که آن را بنیاد گذاشتند چه گونه به این پرسش ها پاسخ گفته اند، سیر تکاملی آنها با رشد و انکشاف جامعه چه بوده است. چهار دهه از ایجاد حزب رنجبران ایران می گذرد. تشکیل دهندگان آن ۹ تشکل کمونیستی که سالهای طولانی در امر سازماندهی کمونیستی در شرایط سخت دیکتاتوری محمد رضا شاه در گیر بودند از طریق تبادل نظر و راه یابی مشخص و در محیطی گرم و رفیقانه با آموزش و مشورت در کلیه سطوح تشکیلات با هدایت کمیته مشترک وحدت پایه ریزی شد. کادر های تشکیل دهندگان اولیه "کمیته وحدت" که در همان ماه های اول سال ۵۸ تشکیل شد و حدوداً یک سال در تدارک برگزاری اولین کنگره حزب کارکردند، اکثراً نمایندگان بازماندگان لشکر خونین کمونیست هائی بودند که دو دهه در نقد مشی رفرمیستی حزب توده ایران برای یافتن راه انقلابی مبارزه نظری همه جانبه ای را به پیش برده، در عمل انقلابی برای ایجاد حزبی از نوع بلشویکی آن شرکت کرده و کادر ها و اعضای آن جان خود را بی دریغ در راه کمونیسم فدا کرده بودند. از میان آنها سازمان انقلابی حزب توده ایران دارای سابقه طولانی تر و ارتباطاتی گسترده تربود که با ارائه جمعبندی از پراتیک شانزده ساله خود و سند پایه ئی به نام پلاتفرم وحدت مارکسیست-لنینیست برای ایجاد حزب کمونیست ایران در کمیته وحدت ۹ تشکل بالا شرکت کرد. در اینجا ما تنها اشاره ای به شانزده سال مبارزه سازمان انقلابی داریم. جای دارد یاد آوری کنیم که هشت سازمان دیگر هم در همین مسیر بنا به توانائی های خود کارکرده و از تجربه عملی مبارزاتی بر خوردار بودند.

حزب رنجبران ایران از زمان تشکیل تا به حال مسیر پر پیچ و خم و سختی را گذرانده و همچنان براین باور است که بدون یک حزب انقلابی که از وحدت کمونیستها به وجود آید و در پیوند فشرده با طبقه کارگر باشد، انقلاب سوسیالیستی که امروز به بدیل اجتناب ناپذیر جامعه ایران تبدیل شده است تحقق نخواهد یافت. امروز حزب رنجبران ایران با توجه به اوضاع و پراتیک خود وظیفه مبرم و فوری جنبش کمونیستی و کارگری ایران را ایجاد یک حزب متحد انقلابی بر اساس اصول، برنامه و تاکتیک می داند و بر این نظر است که شرایط برای انجام چنین وظیفه ای هر روز آماده تر می گردد. چرا که از سوئی آگاهی طبقاتی و لزوم تشکل سیاسی پیشرو طبقه، کادرهای فعال را به لشکر عظیم کار عرضه می کند که به نوبه خود نقش مهمی در مبارزه با تفرقه کنونی دارد و از سوی دیگر اکثریت رفقای

کمونیست از این تفرقه و گرایش سکتاریستی به ستوه آمده اند و خواهان خاتمه دادن به این وضع هستند. به دست آوردن این مواضع و نقطه نظر ها در مسیر یک راه راست و صافی به دست نیامده است، ده ها افتادن و برخاستن، اشتباهات و تصحیحات حتی انحرافات و غلتیدن به چاله های اپورتونیستی چپ و راست بوده است، اما در طول این مسیر کمونیسم علمی و پافشاری کادرها روی اصول آن توانسته حزب را به ادامه راه انقلابی پرولتاریا سوق دهد. این یکی از ویژگی های حزب رنجبران است که با تمام فرازو نشیب هایش امروز همچنان در سمت انقلاب پرولتاریای ایستاده و از کمونیسم دفاع می کند. این ارزیابی که حزب کمونیست باید از وحدت کمونیست ها شکل بگیرد در پشت خود یک پراتیک شصت ساله دارد. در طول این مسیر هر جا با تشکل های کمونیستی روبه رو شده ضمن دست همکاری دادن به آنها روی یکی شدن و ایجاد یک حزب متحد از کل جنبش کمونیستی پافشاری کرده است. حزب در تجربه آموخته است از یکسو باید به عنوان گردانی از جنبش کارگری و کمونیستی با معیار های حزب سازی لنینی به کار مستقل خود بپردازد و از سوی دیگر باید برای ایجاد حزب یکی شده و متحد کمونیستی که براساس اصول و برنامه مشترک کمونیستی به وجود می آید مبارزه کند. همه راه های دیگر جز انحلال طلبی و گروهی گری ثمره ای به بار نخواهد آورد. در شرایط اجتماعی ایران که دیکتاتوری ضد کارگری و کمونیستی بیداد می کند، امپریالیسم و بورژوازی هیچ گاه به طبقه کارگر این امکان را نداده و نخواهند داد که در بستر مبارزات جاری به خود آگاهی و تشکیلات سیاسی کمونیستی خود برسند. این واقعیت تاریخی از زمان ایجاد حزب کمونیست ایران حدود یک قرن پیش تا به امروز ادامه یافته است. درست با توجه به شرایط است که کمونیست ها باید در هر قدم به جلو و موازی با رشد و گسترش جنبش کارگری سلول های کمونیستی یکی شده، زبده و مخفی در میان توده ها به وجود آورد. جنبش دیمه [جدی] ۹۶ که در صد شهر ایران و تا ده روز دوام یافت تحولی تاریخی در مسیر جنبش کارگری ایران به وجود آورد که امروز بزرگترین لشکر تغییر را توده های وسیع کارگری و پابرهنگان و نیروهای آگاه طبقاتی و کمونیستها و سوسیالیستها تشکیل می دهند. جنبش دیمه عبور از یک مرحله "انتخاب بد از بدتر" و نه به ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی بود و تأیید مشی سیاسی پرولتاریا که امروز اکثریت نیروهای چپ و کمونیست مهر تأیید بدان می زنند. این یک پیروزی بزرگی برای جنبش کارگری ایران است و شاید آیندگان جنبش دیمه را تولدی نوین برای صعود طبقه کارگر به حساب آورند.

ماتریالیست های تاریخی اوضاع و تکامل مبارزه طبقاتی را همیشه در پیوند با گذشته مورد بررسی قرار می دهند و در پرتو تجارب گذشته و اوضاع مشخص حال برنامه و سیاست های خود را پایه می ریزند. جمع بندی های پراتیک و مبارزات به ما کمک می کند تا از یکسو بهتر به چگونگی رسیدن به مواضع کنونی خود پی ببریم و چرا بر روی چنین موضعی ایستاده ایم

سازمان انقلابی حزب توده ایران در روند پایه ریزی چون یکی از نقد های اساسی اش از رهبری حزب توده بی عملی و خارج نشینی بود در همان آغاز با رفتن گروهی از اعضای بریده از رهبری به ایران به عنوان معیاری در پیوستن به آن مشخص کرد و تشکیلاتی را سازمان داد که اعضاء و کادر هایش می بایستی پای در رکاب باشند و طبق احتیاج به داخل روند و در مبارزه طبقاتی تحت شرایط دیکتاتوری سیاه پهلوی فعالیت کنند. این باز گرداندن آب رفته به جوی و مسیر درست بود. بعد از سرکوب خونین کودتای بیست و هشت مرداد، تلاشی سازمان افسری و فرار رهبری حزب توده به خارج، آغازی نوین و انقلابی بود که نسلی جوان پرچم آن را بلند کرد. درست در پیروی از سیاست شرکت در عمل انقلابی و رفتن به ایران، سازمان انقلابی به مبارزه مسلحانه در جنوب ایران در میان ایل قشقایی پیوست و دونفر از کادر های سازمان انقلابی رفقاء عطا کشکولی و ایرج کشکولی را از خارج برای شرکت در آن

مخفیانه به داخل گسیل داشت. در آنزمان ایران در یک شرایط بحرانی قرار داشت و مردم کارد به استخوانشان رسیده بود و سازمان ارزیابی می کرد که شرایط برای مبارزه مسلحانه فراهم است و از یک جرعه حریق بر خواهد خاست و بر این اساس دو رفیق سازمان انقلابی که در دوره های آموزشی حزب کمونیست چین که تجربه انقلاب پیروزمند چین را بیان می کردند شرکت کرده بودند و با توجه به این که محلی و سابقه مبارزاتی در میان ایل داشتند هنگامی که قیام بهمن قشقایی بر پا شد برای اینکار انتخاب شدند. یکسال هم این گروه مسلحانه دوام داشت ولی با حيله وزیر دربار وقت "علم" و پشت قرآن امضاء کردن و امان دادن به بهمن قشقایی او را به تور انداختند و در نتیجه، گروه مسلحانه هم، چون براساس وابستگی های ایلی به وجود آمده بود پراکنده شد و معلوم شد قسم شاه و "علم" خدعه ای بیش نبوده چون او را پس از تسلیم شدن به جوخه اعدام سپردند. عطا و ایرج با کاردانی و آگاهی به منطقه توانستند از محاصره و سرکوب توسط نیروهای دولتی بیرون روند و پس از گذشتن از مناطق کوهستانی و راه پیمائی طولانی خود را به بندر عباس برسانند و از آنجا با کمک تشکیلات به دبی و از دبی به اروپا منتقل شوند. سازمان انقلابی اولین تجربه مبارزه مسلحانه خود را پس از جدا شدن از رهبری حزب توده جمع بندی کرد و تحت نامه ای از جنوب در "توده" ارگان سازمان انقلابی انتشار داد.

در همان زمان با حادثه معروف به کاخ مرمر که یک سرباز جانباز دربار شمس آبادی در قصر شاه قصد کشتنش را کرده بود، رفقای ما را جمعی دستگیر کردند و اتهام تروریست به آنها زدند. دستگیری آنها که اکثراً از اعضای کنفدراسیون بودند حرکتی بس متحد کننده در خارج کشور به وجود آورد و با تشکیل دادگاه علنی در تهران و دفاع مستدل پرویز نیکخواه در رد اتهامات تروریستی از یکسو و دفاع از فعالیت های کمونیستی گروه و افشای وضع امنیتی جامعه، صدای جنبش نوین کمونیستی جدا از رهبری حزب توده را به کلیه محافل چپ و مترقی رساندند و جان تازه ای به جنبش چپ دادند. احکام طولانی زندان و سرکوب شدید ساواک عملاً این تجربه را هم به شکست تشکیلاتی کشاند با این که هر دو تجربه توانست از لحاظ سیاسی پیروزی بزرگی را به سود مشی پای در عمل بودن به دست آورد و از لحاظ تشکیلاتی سازمان انقلابی در برابر رهبری حزب توده توانست بیش از نود درصد اعضای حزب توده را به خود جلب کند. درس اساسی این دو تجربه این بود که سازمان باید خط مشی توده ئی را در پیش گیرد و امر کار در میان کارگران را اساس قرار دهد. هر بار که در حرکت عملی انقلابی سازمان شرکت می کرد با این که در نبرد با دشمن طبقاتی و دستگاه های نظامی و امنیتی آن شکست می خورد اما منطق سازمان ادامه مبارزه بود چون از همان آغاز به منطق طبقه کارگر مبارزه، شکست باز هم مبارزه تا پیروزی خود را مسلح کرده بود و اعضاء و کادر هایش آگاهانه جرأت به روبه رو شدن با دشمن قوی تری را در خود تقویت می کردند. بیخود نبود که کمی دیرتر هنگامی که اسماعیل شریف زاده رهبر پیشمرگان انقلابی حزب دمکرات ایران و ملا آواره از سازمان برای پیوست به آنها دعوت شد یکی از کادر های رهبری را فوراً برای ایجاد ارتباط با گروه مسلحانه به کردستان گسیل می دارد و با ملحق شدن نماینده سازمان انقلابی به گروه پاتیزانی محلی و روشن شدن مواضع رهبری جنبش که خود را مارکسیست می دانستند و با استقبال توده دهقانی منطقه روبه رو شده بودند. سازمان انقلابی بر اساس گزارش رفیق رهبری اعزامی گروهی از کادر های خود را که در چین و کوبا و فلسطین دوره های تعلیماتی دیده بودند از جمله دو پزشک که در خواست مبرم رفیق اسماعیل شریف زاده بود، به کردستان اعزام کرد. متأسفانه هنگامی کادر های سازمان انقلابی به کردستان رسیدند که رژیم ایران با همدستی دارودسته بارزانی توانسته بودند با سیاست محاصره و سرکوب پیشاهنگان گروه مسلحانه را از جمله شریف زاده و ملا آواره را به قتل برسانند. اما همچنان منطق سازمان انقلابی مبارزه، شکست، مبارزه بود. بار دیگر سازمان باید به آن دو سؤال پاسخ می داد: چه می شود و چه باید کرد؟ اولین گام جمع بندی از تجربه مبارزه

مسلحانه و شکست آن بود. رفقای سازمان انقلابی توانستند با کمک اتحادیه میهنی کردستان بازماندگان گروه مسلحانه را پیدا کنند و مشترکاً اوضاع را پس از آن بررسی نمایند. نتیجه جمع بندی این بود که باید به کار طولانی تری در میان کارگران و زحمتکشان ده بپردازند و مهمتر این که با کل جنبش سراسری باید پیوند فشرده ای برقرار باشد و این امر تنها از طریق یک حزب کمونیست امکان پذیر است. درست است که این سه حرکت عملی سازمان انقلابی به خاطر توازن قواء و تأکید روی مبارزه مسلحانه جدا از توده ها به شکست رسید اما در اینجا این پای در عمل بودن سازمان انقلابی ثمره ای به بار آورد که همچنان تا به امروز پا برجاست. تماس با جنبش مقاومت مردم در ایل قشقایی و جنبش انقلابی کرد و مبارزه برای بردن کمونیسم علمی به میان انقلابیون راستین از خود گذشته کرد که بنا بر گفته رهبرانی چون جلال طالبانی و نوشیروان مصطفی نقش مهمی را در این زمینه به سازمان انقلابی داده اند. اما اوضاع کردستان و تغییرات سریع در اوضاع ایران به ویژه جمع بندی از یک دهه سازماندهی پراکنده رهبری سازمان انقلابی را به نتایج عملی نوینی رساند که این سیاست تا انقلاب ۵۷ هفت ادامه یافت: ایجاد تشکیلات داخل، گسیل رفقای شناخته شده باتغییر هویت به داخل، گسترش کار توده ئی به ویژه در میان کارگران، ایجاد تشکیلات حزبی در کویت و دبئی برای گسیل کادر های شناخته شده، تجدید تربیت آنها با کارکردن در شرایط کاری بسیار سخت و در عین حال جلب نیرو از میان کارگران ایرانی مهاجر در منطقه. بدین ترتیب سازمان توانست نه تنها با تمام سرکوب های یکی پس از دیگری توسط رژیم جنایتکار پهلوی زنده باقی بماند و هر بار که رفیقی را اعدام می کردند جوانان دیگری را برای ادامه مبارزه متشکل سازد بلکه کار مخفی و علنی را باهم تلفیق دهد، تشکیلات خارج کشور را کاملاً و همه جانبه در خدمت تشکیلات داخل نوسازی نماید. این مقاومت و ایستادگی مشت محکمی بود به دهان وادادگانی از میان صفوف سازمان که نتوانستند به تعهد خود به جمع و تشکیلات وفادار بمانند و به صف دشمن پیوستند و کار عمده شان مبارزه با سازمان انقلابی و نیروهای چپ و کمونیست بود.

مبارزه سخت و بغرنج سازمان برای ایجاد حزب کمونیست که در بریدن از حزب توده به عنوان وظیفه مرکزی مشخص شده بود از یک روند همه جانبه ایدئولوژیک – سیاسی گذشت. سازمان انقلابی حزب توده ایران بدرستی به این جمع بندی رسید که بریدن از حزب توده نمی تواند محدود به تشکیلات باشد، باید و اساسی تر است که در قلمرو ایدئولوژیک و سیاسی گسترش یابد و عمیق شود. این مبارزه تاریخی تا به امروز همچنان علیه اپورتونیسم راست حزب توده و رویزیونیسم هنگامی که رهبری به طرفداری از خط سه مسالمت آمیز خروشچف بر خاست ادامه یافته است. در آن زمان که تازه نوک دکل انحراف بزرگ تاریخی رویزیونیسم نمایان شده بود و رفیق مائوتسه دون با جمع بندی داهیانه اش از مبارزه بین دو خط مشی در جوامع سوسیالیستی اولین نقد خود را بر نظرات رهبر حزب کمونیست ایتالیا رفیق تولیاتی نوشت، مبارزه ای سخت جهان کارگری و کمونیستی را فرا گرفت. پایه گذاران سازمان انقلابی جزو اولین پرچمداران این جنبش نوین ضد رویزیونیسم در ایران بودند و در اولین کنفرانس خود که در تیرانا تشکیل شد قاطعانه علیه رویزیونیسم حزب کمونیست شوروی موضع گرفتند. بدین ترتیب حزب رنجبران ایران نه تنها در عمل از مبارزه ای سخت گذشت بلکه با برافراشتن پرچم سرخ اندیشه مائوتسه دون و مبارزه ای بی امان علیه رویزیونیسم مدرن از لحاظ ایدئولوژیک چون سنگ خارا در برابر حملات همه جانبه حزب توده ایران، چریک های دنباله رو آنها تا به امروز ایستادگی کرده است. این مبارزه تا آنجائی پیش رفته که رهبری حزب توده و چریک های اکثریت در همکاری با دستگاه های امنیتی رژیم اسلامی تشکیلات حزب رنجبران را لو می دادند و آقای نگهدار در مصاحبه تلویزیونی با بی بی سی نه تنها به آن اقرار دارد بلکه چنین جنایتی را هنوز هم درست می داند.

خوب باید یک نکته مهمی را در این سیر تکاملی باز گو کرد . عقاید صحیح از آسمان نازل نمی شود ، خط مشی صحیح انقلابی برای رهایی طبقه کارگر و بشریت در دورانی که نظام سرمایه داری در تمام زمینه ها از فرهنگ گرفته تا دین و روابط خانوادگی حرف اول را می زند و حتی احزاب کمونیست مثل حزب بلشویک و حزب کمونیست چین را از گردونه انقلابی و طبقه کارگر بیرون پرت می کند سازمان انقلابی و حزب رنجبران ایران مبارزه بی امانی را علیه نظرات انحرافی که هر چند یک بار در درونش شکل می گرفت به پیش برد و با تأکید پافشاری بر اصول کمونیسم علمی هر بار توانست با جمع بندی از پراتیک خود، با انتقاد و انتقاد از خود، با آموزش و کمک آموزشی به رفقای که دچار اشتباه شده بودند و خواست نوسازی داشتند ، به نوسازی ادامه دهد. حزب رنجبران ایران از یک مسیر بغرنجی برای حفظ استحکام افکار هدایت کننده اش گذشته و امروز روی اصول کمونیسم علمی ، دفاع همه جانبه از دستاوردهای عظیم طبقه کارگر جهانی و کلیه مارکسیست – لنینیست های جهان ، همچنان به راه انقلاب تا آخر با براندازی کل نظام سرمایه داری جهانی ، امپریالیسم و ارتجاع محلی و منطقه ای ، برای جهانی بدون ستم ، بدون تبعیض ، جهانی خالی از استثمار انسان از انسان مبارزه می کند. و در برابر پرسش " چه می شود ؟ " پاسخش اینست انقلاب خواهد شد و برای این که این انقلاب منحرف نشود و به سود مردم تکامل یابد در برابر پرسش دوم " چه باید کرد ؟ " حزب رنجبران ایران روی مشی سیاسی مبارزه برای پیروزی بدیل کارگری در برابر بدیل های بورژوازی و سرمایه داری و امپریالیسم مبارزه می کند و برای پیشبرد این مشی و ایجاد شرایط برای پیروزی اش در سه زمینه فعالیت کنونی خود را سازمان می دهد :

یکم

ایجاد حزب متحد بلشویکی را که افکار هدایت کننده اش کمونیسم علمی ، ساختمان تشکیلاتی اش بر استخوان بندی کارگران پیشرو استوار باشد و در سبک کار از خط مشی توده ای – از توده به توده ها ، انتقاد و انتقاد از خود و مرکزیت براساس دموکراسی پیروی کند در دستور کار مبرم و ضروری خود قرار داده است و درست در خدمت این وظیفه روی وحدت کمونیستها و یکی شدن پافشاری می کند .

دوم

مبارزه برای بسط و گسترش تشکل های کارگری طبق شرایط مشخص هر واحد تولیدی و ایجاد شوراهای کارگری هر جا و هر زمان میسر است چه بدون چنین وحدت و تشکیلاتی از کارگران نه بدیل سوسیالیستی می تواند اجتماعی شود و نه حزب کمونیست متحدی شکل بگیرد .

سومین

مبارزه برای ایجاد وسیعترین اتحاد توده ها از کلیه نیروهائی که دوستان و طرفداران بدیل کارگری در برابر بدیل بورژوازی و سرمایه داری و امپریالیسم هستند.

به باور حزب رنجبران ایران که از مسیر طولانی ، سخت و بغرنجی، گذشته و راهش با خون بهترین فرزندان خلق گلگون است انجام چنین وظایفی عملی است و پیروزی بدیل سوسیالیستی ممکن. باید یکی شویم ، باید حزب کمونیست را از یکی شدن کمونیستها به وجود آوریم ، باید بیش از پانزده میلیون کارگر را یاری دهیم تا متشکل شوند و بر چنین استخوانبندی طبقاتی اتحادی باز هم وسیع تر و عظیم تر برای پیروزی در انقلاب سوسیالیستی به پیش رویم .

به پیش به سوی یکی شدن و ایجاد حزب متحد کمونیست ایران

به پیش به سوی بسط و گسترش تشکلات مستقل کارگری در سراسر ایران

به پیش به سوی بسیج عظیم ترین توده های ستمدیده ، استثمار شده برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی